

بسمه تعالی



نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۲۰

۱۸۸۹

۱۳۸۳/۹/۱۵

توطئه برنامه ریزی شده تغییر نام « خلیج فارس »

موج جدید سازمان یافته‌ای برای حذف تدریجی نام تاریخی خلیج فارس و تبدیل آن به نام مجعول خلیج عربی یا نام‌های دیگر آغاز شده است. از چندی پیش، در مکاتبات اتحادیه اروپا، در تحلیل‌ها و اخبار بخش انگلیسی رادیوهای بی‌بی‌سی انگلستان و « دویچه وله » آلمان و در نقشه‌های به دیوار آویخته در موزه لوور پاریس، به جای نام خلیج فارس نام خلیج عربی به کار گرفته شده است و اخیراً در چاپ اطلس سال ۲۰۰۵ مؤسسه معتبر نشنال جیوگرافیک آمریکا، با سابقه ۱۲۶ ساله و با وجود چاپ ده‌ها اطلس در گذشته با نام اصیل خلیج فارس، علاوه بر نام خلیج فارس، خلیج عربی در پراکنش نگاشته شده است. ممکن است که این مقدمه‌ای باشد تا در سال‌های آینده، نام خلیج عربی را در متن بیاورند و نام خلیج فارس را درون پراکنش بگذارند و سپس، آن را حذف کنند. باید بررسی کرد که پافشاری بر تغییر نام تاریخی شناخته شده چند هزار ساله یک آبراه طبیعی از چه چیزی حکایت دارد.

هنگامی که در اوایل دهه ۱۹۶۰، برخی از دولت‌های ناسیونالیست عرب این اصطلاح مجعول را برای نخستین بار مطرح کردند، درک انگیزه سیاسی این تغییر نام چندان دشوار نبود. در دوران اوج ناسیونالیسم عرب، تحریف تاریخ یا تغییر نقشه‌های جغرافیایی توسط گروه‌های تندروی عرب به سود احساسات ملی‌گرایانه افراطی، اگر چه غیرواقعی و نادرست بود، قابل توجیه و فهم به نظر می‌رسید. اما در عصر پس از دوران جنگ سرد و در دهکده جهانی، که برقراری صلح و آرامش جهان، بویژه در منطقه ملتهب خاورمیانه، بیش از هر زمان به تفاهم و احترام متقابل نیازمند است، این‌گونه حرکت‌ها چه

معنا دارد؟ اگر این تحرکات از سوی نهادها و محافل ملی‌گرای عرب انجام می‌گرفت شاید چندان مشکوک یا مبهم جلوه نمی‌کرد. اما هنگامی‌که برخی از محافل و نهادهای بین‌المللی دست به چنین کارهایی می‌زنند چه توجیه قابل قبولی می‌توانند ارائه کنند؟ آیا این حرکت تازه در راستای تحریک احساسات شووینستی و در تقابل قراردادن ملت‌های عرب و ایرانی در منطقه پرآشوب خاورمیانه نیست؟

زمانی بود که دولت‌های عرب مدعی ملی‌گرایی، نه تنها نام خلیج فارس بلکه نام برخی از بخش‌های کشورمان را تغییر می‌دادند و مالکیت آن بخشها را ادعا می‌کردند. آنان با تغییر نقشه‌های جغرافیایی، نام برخی از استان‌ها و شهرهای ایران، از جمله خوزستان، اهواز و خرمشهر را تغییر داده بودند، و به بهانه و یا ادعای مبارزه با استبداد پهلوی و نفی سلطه امپریالیسم، جنبش‌های سیاسی با تمایلات جدایی خواهانه را بنیاد نهاده و یا حمایت می‌کردند. اما اکنون که سیاست خارجی مستقل دولت آقای خاتمی، بر پایه تنش‌زدایی، توانسته است روابط دوستانه و تفاهم‌های لازم را با همسایگان عرب برقرار سازد و کاهش تلاطم‌های خاورمیانه به همکاری‌های جدی کشورهای عربی منطقه با ایران نیازمند است، تحریکات یاد شده را نمی‌توان سالم و ساده پنداشت و دست تا مرفق به خون آلوده دشمنان مشترک ملتها و دولتهای عرب و ایران را در آنها ندید.

خوشبختانه، سطح آگاهی و علایق ملی ایرانیان، در سراسر جهان بسیار بالا است و ما شاهد واکنش‌های گسترده‌ای از سوی بسیاری از گروه‌ها و انجمن‌های ایرانی در داخل و خارج از کشور هستیم. شعار همگانی ایران این است که **خلیج فارس همیشه «فارس» بوده است و همچنان خواهد ماند.**

هر چندکه نیازی به بیان دلایل و ارائه مدارک برای اثبات قدمت نام خلیج فارس نیست، به منظور یادآوری سابقه تاریخی برای آن بخشی از هموطنان عزیز که کمتر در این زمینه آگاهی دارند لازم می‌دانیم که نکاتی را به شرح زیر اعلام کنیم:

در سفر نامه‌های جهانگردان و نوشته‌های جغرافی‌دانان، هرگاه اشاره‌ای به آبراه بین شبه جزیره عربستان و کشور ایران شده است، نام خلیج فارس برای آن بکار رفته است. در دوران هخامنشیان و در متون تاریخی یونانیان از این منطقه دریایی همواره به نام خلیج فارس یاد شده است. در دوران پس از اسلام نیز، جغرافی‌دانان در کتاب‌ها و نوشته‌هایشان این آبراه را بحر فارس نامیده‌اند. از جمله، «ابن معشر جعفر بن محمد بن عمر البلخی» متوفی به سال ۲۷۲ هـ - ق، از دانشمندان نجوم در عصر مامون عباسی، در مورد جزر و مد می‌گوید:

«کما صار الشمس فی کل واحد من بحر فارس و الهند» و «ابن فقیه»، در کتاب «البلدان»، در حوالی سال‌های ۲۸۹-۲۹۰ هـ . ق، بحر فارس و الهند را دو دریای متصل به هم ذکر می‌کند.

جغرافی‌دان مشهور دیگری، به نام «احمد ابی یعقوب بن واضح»، متوفی به سال ۲۸۴ هـ. ق، در مورد رود بهمنشیر می‌نویسد: «دجیل الاهواز - ثم تجری الاهواز ثم یمر فی یصب فی بحر فارس». و نیز، «قدمه بن جعفر» در رساله «الخراج» - که آن را در سال ۳۷۷ هـ. ق تألیف کرده است - در وصف رودهایی که در اقلیم پنجم قرار دارند به توصیف دجله و مسیر آن پرداخته، در پایان می‌نویسد: «رودخانه دجله از وسط بغداد عبور می‌کند و سپس متفرق می‌شود و بعد عبور می‌کند به طرف بصره» و به دنبال آن، این عبارت را ذکر می‌کند: «ثم تمر الی ناحیه المذار ثم یصب الجمع الی بحر فارس»

همچنین، «ابوعلی مسعودی» در مطالعات گسترده‌اش تاریخ و جغرافیای جهان همین شیوه و روال را پیگیری کرده است. او در توصیف فاصله بین بصره و عمان به مسقط می‌رسد و سپس می‌نویسد: «و من المسقط الی راس الجبل خمسون فرسخا و هذا آخر بحر فارس». و همین شیوه را «استخری» دنبال می‌کند و در کتاب «مسالك الممالک» بارها از بحر فارس نام می‌برد. برای پرهیز از طولانی شدن کلام به همین مختصر درباره اسناد تاریخی بسنده می‌شود.

لازم به یادآوری است که از سال ۱۵۶۰ میلادی به بعد، در همه مکاتبات دولتهای اروپایی که به این منطقه آمد و شد داشته‌اند (پرتغالی‌ها، فرانسوی‌ها، انگلیسی‌ها و حتی آلمانی‌ها) نام خلیج فارس برده شده است. در روزنامه شرق مورخ ۴ آذر ۱۳۸۳ چنین آمده است: «سازمان ملل متحد اولین بار طی یادداشت Uma DQ 311 به تاریخ پنجم مارس ۱۹۷۱ و بار دوم طی یادداشت Unla 4.5.8.2 مورخ دهم اوت ۱۹۸۴ نام رسمی دریای جنوبی ایران و شرق شبه جزیره عربستان را خلیج فارس اعلام کرده است». در متحف الشارقه (موزه شارجه)، بر روی نقشه بزرگ کروی و نیز در اطلس موجود عبارت «الخليج الفارسی» و انگلیسی آن «Persian Gulf» آشکارا دیده می‌شود.

نهضت آزادی ایران از مسئولان جمهوری اسلامی می‌خواهد که نسبت به این رخداد مشکوک و نامبارک حساسیت ویژه نشان داده، اقدامات دیپلماتیک لازم در مذاکره با دولتهای اروپایی و غیره انجام دهد. همچنین، نهضت آزادی ایران، ضمن حمایت و تأیید اعتراضات گسترده هموطنان ایرانی در داخل و خارج کشور، از مردم فهیم و شریف ایران می‌خواهد که اجازه ندهند دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به بهانه مخالفت و مبارزه با دولت یا ملت ایران هویت تاریخی سرزمین‌های ایرانی را تغییر دهند و موجب تشدید اختلافات بین کشورهای منطقه شوند. برای این منظور، شایسته است که از راههای مناسب از مدیران مؤسسه «نشنال جیوگرافیک» به طور جدی خواسته شود که این تحریف آشکار تاریخی را با ارائه توضیح لازم و سپس با انتشار اطلس اصلاح شده برطرف کنند.

نهضت آزادی ایران